

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: پیه اسکویار  
ویراستاری و ارسال: علی مشرف  
۲۳ جنوری ۲۰۲۴

## غرب چگونه شکست خورد



امانوئل تاد، مؤرخ، جمعیت شناس، مردم شناس، جامعه شناس و تحلیلگر سیاسی، یکی از تیره های در حال زوال است: او یکی از معدود نمایندگان باقی مانده از روشنفکران مکتب قدیم فرانسه است - میراث افرادی مانند برودل، سارتر، دلوز و فوکو، که نسل های جنگ سرد را از غرب تا شرق به تعجب واداشتند.

اولین نکته ای که به آخرین کتاب او، La Défaite de L'Occident («شکست غرب») مربوط می شود، معجزه کوچکی بود که این کتاب هفته گذشته در فرانسه منتشر شد، و آن هم دقیقاً در حوزه ناتو: یک نارنجک دستی از طرف یک متفکر مستقل، که بر اساس حقایق و داده های تأیید شده آماده شده بود و کل بنیاد روس هراسی را که حول «تجاوز» «تزار»، پوتین ساخته شده بود، به هوا فرستاد.

دست کم ، این بار به دلایل متعدد، بخش هایی از کنسرن های رسانه ای تحت کنترل شدید الیگارشلی در فرانسه نمی توانستند تاد را نادیده بگیرند، به خصوص به این دلیل چون او اولین روشنفکر غربی بود که سقوط اتحاد جماهیر شوروی را در کتاب خود در سال ۱۹۷۶ بر اساس نرخ مرگ و میر نوزادان شوروی پیش بینی کرد.

دلیل مهم دیگر، کتاب Apres L'Empire او در سال ۲۰۰۲ بود که نوعی پیش پرده افول و سقوط امپراتوری محسوب می شد که چند ماه قبل از عملیات شوک و حیرت Shock&Awe در عراق منتشر شد.

و سرانجام تاد به سیم آخر زد و در کتابی به نام «چرخه را به آخر رساندم» که آن را آخرین کتاب خود توصیف کرد، تمرکز تحقیقات خود را بر روی جنگ در اوکراین قرار داده و با استناد به آن نه تنها شکست ایالات متحده، بلکه شکست کل غرب را به تفصیل تشریح کرد.

با توجه به محیط مسموم ناتو، که در آن روس هراسی و فرهنگ لغو Cancel Culture حکمرانی می کند و هرگونه انحرافی مستوجب مجازات است، تاد احتیاط کرد که روند فعلی را به عنوان پیروزی روسیه در اوکراین به تصویر نکشد (اگرچه که در همه چیزهایی که او توصیف می کند؛ از شاخص‌های مختلف صلح اجتماعی گرفته تا ثبات کلی «سیستم پوتین» که «محصول تاریخ روسیه است و نه کار یک فرد»، به این امر اشاره می‌شود).

و او بیشتر بر دلایل اصلی که منجر به افول غرب شد تمرکز می کند، که عبارت است از: پایان دولت-ملت، صنعت‌زدانی (که مبین ناتوانی ناتو در تولید تسلیحات برای اوکراین است)، "نقطه صفر" زمینه مذهبی غرب، پروتستانیسیم، افزایش شدید نرخ مرگ و میر در ایالات متحده آمریکا (بسیار بیشتر از روسیه)، همراه با خودکشی‌ها و قتل‌ها، و تسلط نیهیلیسم امپریالیستی که در وسواس جنون‌آمیز به «جنگ‌های ابدی» بیان می‌شود

### فروپاشی پروتستانیسیم

تاد به ترتیب روسیه، اوکراین، اروپای شرقی، آلمان، بریتانیای کبیر، اسکاندیناوی و در نهایت امپراتوری را به طور روشمند تجزیه و تحلیل می‌کند. بگذار روی ۱۲ نکته از بهترین نکات اثر قابل توجه او تمرکز کنیم.

۱. در آغاز عملیات نظامی ویژه در فیبروری ۲۰۲۲، مجموع تولید ناخالص داخلی روسیه و بلاروس تنها ۳،۳ درصد کل غرب (در این مورد، حوزه ناتو به اضافه جاپان و کوریا جنوبی) بود. تاد متعجب است که این ۳،۳ درصد که قادر به تولید تسلیحات بیشتر از کل غول غربی است، نه تنها در جنگ پیروز می‌شود، بلکه ایده‌های غالب «اقتصاد سیاسی نئولیبرال» (نرخ تولید ناخالص داخلی) را نیز ویران می‌کند.

۲. «تنهایی و خودشیفتگی ایدئولوژیک» غرب، که قادر به درک این نکته نیست که «کل جهان اسلام، روسیه را بیشتر یک شریک و نه یک دشمن برآورد می‌کند».

۳. تاد اصطلاح "دولت‌های وبری" را طرد می‌کند و از این رو همخوانی بسیار جذابی بین دیدگاه‌های پوتین و جان میرزهایمر سیاستمدار واقع‌بین ایالات متحده را تداعی می‌کند. از آن جا که دولت‌ها مجبورند در محیطی که فقط روابط قدرت مهم است زنده بمانند، اکنون به عنوان «عوامل هابزی» عمل می‌کنند. و این ما را به ایده روسیه از یک دولت-ملت می‌رساند که بر «حاکمیت» تمرکز دارد: توانایی یک دولت برای تعیین سیاست‌های داخلی و خارجی خود به طور مستقل و بدون هیچ‌گونه مداخله خارجی.

۴. فروپاشی تدریجی فرهنگ پروتستان‌های سفید پوست انگلوساکسن WASP، که «از دهه ۱۹۶۰» به «امپراتوری بی مرکز و بی پروژه، ارگانیک‌ساز اساساً نظامی که توسط گروهی بی‌فرهنگ (به معنای انسان‌شناختی) اداره می‌شود، انجامید» و این تاد است که نئوکانون‌های امریکائی را تعریف می‌کند.

۵. ایالات متحده آمریکا به عنوان یک نهاد «پسا امپراتوری»: فقط پوسته‌ای از ماشین آلات نظامی بدون فرهنگ عقل محور، که منجر به «توسعه نظامی برجسته در مرحله انقباض گسترده پایگاه صنعتی» شده است. به قول تاد: «یک جنگ مدرن بدون وجود صنعت، یک اوکسی مورو و یا یک ترکیب متضاد است.»

۶. تله جمعیت‌شناختی: تاد نشان می‌دهد که چگونه ستراتیژیست‌های واشنگتن «فراموش کرده‌اند که کشوری که مردم آن بسیار تحصیل کرده و از نظر فناوری پیشرفته‌اند، حتی اگر از نظر جمعیت کاهش یابد، باز قدرت نظامی خود را از دست نمی‌دهد.» درست امری که در مورد روسیه در دوران پوتین صدق می‌کند.

۷. و اکنون می‌رسیم به اصل بحث تاد: تفسیر مجدد پسا ماکس وبری او از اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، کمی بیش از یک قرن پیش، در ۱۹۰۴/۱۹۰۵ منتشر شد: «اگر پروتستان‌نویسم ماتریکس و یا مبداء ظهور و صعود غرب بود، مرگ آن امروز عامل فروپاشی و شکست غرب است.»

تاد به وضوح بیان می‌کند که چگونه «انقلاب شکوهمند» انگلستان در سال ۱۶۸۸، اعلامیه استقلال آمریکا در سال ۱۷۷۶ و انقلاب فرانسه در سال ۱۷۸۹ ستون‌های واقعی غرب لیبرال بود. در نتیجه، از نظر تاریخی «غرب» گسترش یافته «لیبرال» نیست، زیرا «فاشیسم ایتالیایی، نازیسم آلمانی و میلیتاریسم جاپانی» را نیز به وجود آورد.

تاد مختصر و مفید نشان می‌دهد که چگونه پروتستان‌نویسم سواد آموزی را بر مردمی که کنترل می‌کرد تحمیل می‌نمود، «زیرا همه مردم متدین باید مستقیماً به کتاب مقدس دسترسی داشته باشند. مردم تحصیل‌کرده توانایی دسترسی به توسعه اقتصادی و فناوری را دارا هستند». مذهب پروتستان اتفاقاً یک نیروی کار برتر و کارآمد را الگو برداری کرد و از این نظر، آلمان «در مرکز توسعه غرب» قرار گرفت، حتی اگر انقلاب صنعتی در انگلستان رخ داد.

فرمول مرکزی تاد مبرهن است: «عامل تعیین کننده در صعود غرب، پیوند پروتستان‌نویسم با سوادآموزی بود.» علاوه بر این، همانطور که تاد اشاره می‌کند، پروتستان‌نویسم دو بار در قلب تاریخ غرب قرار داشت: یک بار از طریق انگیزه آموزشی و اقتصادی - که البته ترس از لعنت و نیاز به احساس برگزیده شدن توسط خداوند، اخلاق کاری و اخلاق جمعی قوی را افزایش می‌بخشید- و دوم توسط این تصور که انسانها برابر نیستند (باری را که مرد سفیدپوست برشانه دارد به یاد بیاورید).

فروپاشی پروتستان‌نویسم نمی‌توانست کاری کند که اخلاق کاری را به نفع طمع توده‌ای که ننوایبر الیسم را به وجود آورد از بین ببرد.

### تراجنسیتی و فرهنگ جعل و تقلب

۸. انتقاد تند تاد از روح سال ۱۹۶۸ شایسته یک کتاب کاملاً جدید است. او به «یکی از توهمات بزرگ دهه ۱۹۶۰ - بین انقلاب جنسی انگلیس-آمریکائی و مه ۶۸ در فرانسه» اشاره می‌کند: «باور به این که فرد بزرگتر خواهد بود، اگر خود را از جمع رها کند»، منجر به یک شکست اجتناب ناپذیر شد: «حال که ما به طور وسیع از باورهای متافیزیکی، بنیادی و یا مشفق، کمونیستی، سوسیالیستی یا ناسیونالیستی رها شده‌ایم، در تجربه پوچی به سر می‌بریم و بدین سان به "گروهی از کوتوله‌های مقلد که جرأت نمی‌کنند مستقل فکر کنند - اما به اندازه مؤمنان قدیم ناشکیبا و بی تحمل هستند، تبدیل شده ایم.»

۹. تحلیل مختصر تاد از معنای عمیق تر ترا جنسیتی، معبد دیدبانان اجتماعی (Woken) از نیویورک تا حیطه اتحادیه اروپا را متزلزل خواهد کرد و خشم آنها را گروه گروه بر خواهد انگیزد. او نشان می‌دهد که چگونه تراجنسیتی «یکی از پرچم‌های این نیهیلیسم است که اکنون غرب را تعریف می‌کند و تنها انگیزه‌ای برای تخریب اشیا و مردم نیست، بلکه واقعیت را از بین می‌برد.»

و یک تحلیل جالب دیگر نیز مطرح می‌شود: «ایدئولوژی تراجنسیتی می‌گوید، یک مرد می‌تواند زن شود و یک زن می‌تواند مرد شود. این ادعائی نادرست و از این نظر به هسته نظری نیهیلیسم غربی بسیار نزدیک است و آنگاه که

نوبت به پیامدهای ژئوپلیتیکی می‌رسد، اوضاع حتی وخیم‌تر می‌شود. تاد بین این آئین جعل و رفتار متزلزل هژمون در روابط بین الملل ارتباط هنرمندانه ذهنی و اجتماعی برقرار می‌کند. مثال: توافق هسته‌ای ایران در دوران اوباما به یک رژیم تحریمی سخت در دوران ترمپ تبدیل می‌شود. تاد: «سیاست خارجی امریکا در نوع خود سیاست سیال تراجنستی است.»

۱۰. «خودکشی هدایت شده در اروپا». تاد یادآوری می‌کند که اروپا در آغاز یک زوج فرانسوی-آلمانی بود. پس از بحران مالی ۲۰۰۸/۲۰۰۷، این ازدواج به «ازدواج مردسالارانه‌ای تبدیل شد که در آن آلمان، به عنوان همسر مسلط، دیگر به حرف شریک خود گوش نمی‌داد.» اتحادیه اروپا با قطع تأمین انرژی و قطع رابطه تجاری با شریک خود روسیه از ادعای خود مبنی بر دفاع از منافع اروپا دست کشید و تحریم‌هایی علیه خود اعمال کرد. تاد بدرستی خاطر نشان می‌کند که محور لندن-وارسا-کیف جایگزین محور پاریس-برلین شد، که در واقع «پایان اروپا به عنوان یک بازیگر ژئوپلیتیک در نوع خود» بود. و این تنها ۲۰ سال پس از مخالفت مشترک فرانسه و آلمان با جنگ نوحافظه کاران علیه عراق رخ داد.

۱۱. تاد ناتو را با کنکاش در «ضمیمه ناخودآگاه» آن بدرستی تعریف می‌کند: «ما متوجه می‌شویم که مکانیسم نظامی، ایدئولوژیک و روان‌شناختی ناتو نه برای محافظت از اروپای غربی، بلکه برای کنترل آن است.»

۱۲. مطابق با نظریات چندین تحلیلگر روسی، چینی، ایرانی و همینطور برخی از افراد مستقل در اروپا، تاد اطمینان دارد که وسواس جنون آمیز ایالات متحده امریکا برای قطع ارتباط آلمان با روسیه که از دهه ۱۹۹۰ ادامه دارد، منجر به شکست خواهد شد: «دیر یا زود آنها با یک دیگر همکاری خواهند کرد زیرا تخصص‌های اقتصادی آنها، آنها را به عنوان مکمل تعریف می‌کند.» شکست در اوکراین راه را هموار خواهد کرد زیرا «نیروی جاذبه» آلمان و روسیه را متقابلاً اغواء می‌کند.

قبل از آن، و خلاف نظر تقریباً تمام «تحلیلگران» غربی در حوزه اصلی ناتو، تاد می‌داندست که مسکو با استفاده از فرصتی که پوتین برای اوایل سال ۲۰۲۲ شناسائی کرد، نه فقط در برابر اوکراین، بلکه در برابر تمام ناتو، پیروز خواهد شد. تاد این پیروزی را در یک پنجره زمانی ۵ ساله، یعنی حداکثر تا سال ۲۰۲۷ پیش‌بینی می‌کند. مقایسه با سخنان وزیر دفاع روسیه شویگو، که سال گذشته اعلام کرد عملیات ویژه نظامی تا سال ۲۰۲۵ به پایان خواهد رسید، آموزنده است.

فارغ از مهلت تعیین شده، به هر حال پیروزی کامل روسیه محرز است و برنده، کلیه شرایط را دیکته خواهد کرد. بدون مذاکره، بدون آتش بس، بدون انجماد درگیری!

### داووس، نشانه پیروزی غرب؟

دستاورد بزرگ تاد این است که آگاهی کاذب جامعه غربی را با کمک تاریخ و انسان‌شناسی آشکار سازد. به عنوان مثال، او با تمرکز بر مطالعه ساختارهای خانوادگی بسیار خاص در اروپا، موفق می‌شود واقعیت را که تاکنون به طور کامل از دید توده‌های شست و شو شده مغزی غرب که در توربو-نئولیبرالیسم به سر می‌برند، ناپدید مانده توضیح دهد. بدیهی است که کتاب مبتنی بر واقعیت تاد بین نخبگان داووس پژواکی نخواهد یافت. اتفاقی که این هفته در داووس افتاد به‌طور باورنکردنی رسواکننده بود. همه چیزها رو شد.

از مظنونین همیشگی – ساحره زهرآلود خانم فون در لاین اتحادیه اروپا، استولتنبرگ، رئیس جنگ افروز ناتو، بلک راک، جی پی مورگان و دیگر بزرگان که با اسباب بازی عرق گیرپوش خود در کیف مدام دست می دهند، پیام یکپارچه همه، «پیروزی غرب» است.

جنگ صلح است. اوکراین نمی‌بازد و روسیه پیروز نمی‌شود. حال به هر دلیل، اگر با ما موافق نباشید، سخنان شما به دلیل «نفرتپراکنی» سانسور خواهد شد. فارغ از این که شما دهقانان پست چه فکر می‌کنید، ما خواستار نظم نوین جهانی هستیم و آن هم فوراً.

و اگر همه چیز با شکست روبه رو شود، یک بیماری از پیش آماده شده X خواهد آمد تا شماها درو کند.

\*\*\*\*\*

برگرفته از: لینکه سایتونگ

منتشر شده در تاریخ: ۱۹ جنوری ۲۰۲۴